

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۴۵۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شترق

یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴ • ۷ رجب ۱۴۴۷ • ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۹۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۷:۱۹ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۲

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

مرگ بهرام بیضایی در زادروزش

نوای شادی و غم هر دورا بسرآید

شیمیا بهره‌مند: بهرام بیضایی، نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس، کارگردان سرشناس و یگانهٔ سینما و تئاتر و پژوهشگر خلاق در عرصه ادبیات نمایشی و اسطوره‌شناسی، درست در تولد هشتادوهفت سالگی‌اش، دور از وطن، در آمریکا درگذشت. بیضایی به‌اعتبار آثار گران‌سنگ خود، شیفتهٔ ایران بود و به‌رغم تنگ‌نظری‌ها و موانع بسیار تا آخر عمر از کار و فعالیت بی‌وقفه و مستمر برای اعتلای فرهنگ این سرزمین دست نکشید. آثار بیضایی بیش از آن است که در شمار آید، با این وصف بسایزند آثار نیمه‌تمام او که سالیانی حسرت انتشار و اجرا و ساخت آنها را داشت و البته چند صبح‌ای در سال‌های اخیر توانست جایی دور از وطنش به انتشار و گردآوری و اجرای برخی از این آثار بپردازد و اندکی از بار پروژه‌های نیمه‌تمامش را کم کند. چنان‌که خودش سال‌ها پیش در سخنرانی شب‌های گوته گفته بود او مرد پروژه‌های ناتمام است، «پروژه‌هایی که شروع می‌شوند در خودمان و می‌میرند بعد از مدتی باز هم در خودمان». به هر تقدیر، بیضایی بزرگ با تمام آثار درخشان و ماندگارش که فرصت زاده شدن یافتند و تمام پروژه‌های ناتمامش که در خود او مردند و حسرت ما و فرهنگ ایران شدند، از میان ما رفت. حالا به قول خود بیضایی «او تجربه‌ای دارد که ما نداریم -تجربهٔ «مرگ». بیضایی در تمام آثارش از کابوس‌ها و رؤیاهای ما نوشت و از جنون تاریخ، و بیراه نیست که آخرین اثر مکتوب او، یادباد هفتادوسومین سال خاموشی صادق هدایت، «داش اکل به‌گفته به مرجان» بود، چراکه بیضایی خیال می‌کرد «داش اکل» هدایت با همه سادگی، راز سرپسته‌ای است که نویسنده از بد زمان، دریافتن و پرده برداشتن از آن را به زمان ما واگذاشته! و اینک شاید، کشف دوبارهٔ متن‌های بیضایی، خاصه آنها که در وطن نوشت و چه‌بسا آنها که دور از وطن بی‌درهم‌تر نوشت، بر عهدهٔ ما است.

مرگ بیضایی در زادروز خجسته‌اش، از ناتمامی مدام او حکایت دارد که هزاران سال قصه داشت تا بگوید و باور داشت نوای شادی و غم هر دو باید سرود، که «دنیا تا بنگرید ویران است». قصه‌خوان بهرام بیضایی در «فتحنامه کلات» بعد از سکوتی کشارد روی صحنه می‌آید تا خبر از فتحی دهد که از پس جنگ و ویرانی حاصل شده، اما «دنیا تا بنگرید ویران است»، پس «نوای شادی و غم» با هم باید سرود. بیضایی به‌گواه آثارش، نه بر اساس وظیفهٔ جعلی و پراساخته گفتار زمانه‌اش، در جایگاه سخنگوی «ما» نشست و نه مدافع فردیتی بود که پرت‌افتاده از تاریخ در کار واسازی تجربیات روزمره خود و روایت حافظه‌ای بود که تاریخ را انکار می‌کرد. از این‌رو، به‌تعبیر امجد «جایگاه تاریخی ویژه بیضایی، آنچه از بیضایی «بیضایی» ساخته، نه گفتن همیشگی او به این وظیفه تحمیلی و وفاداری‌اش به فردیت و منظر انتقادی خویش بوده» و از این منظر است که معاصریت بیضایی را می‌توان درک کرد، معاصریتی که تنها در گرو نه گفتن نبود و بیش از آن، نوک انتقادشان به سمت هر روایت مسلط و اسطوره‌وار از قدرت در صورت‌های مثالی مختلف آن بود. به تعبیر امجد، بیضایی «نه آینه‌دار تصاویر دلخواه ما از خودمان، بل بازتاب‌دهنده گوشه‌های گمشده و نادیده از تصویر ماست». اما از نشانه‌های معاصر بودن بیضایی یکی هم این است که مقولهٔ زنان در آثارش، از «فتحنامه کلات» و «مرگ یزدگرد» و همین متن آخر «داش اکل به‌گفتهٔ مرجان»، از رقم دیگری بود. او از حذف‌شدگان تاریخ می‌نوشت و این نگاه مستستیز به تاریخ مردم‌محور در فیلم‌هایش صراحت بیشتر داشت. دانشگاه ایران‌شناسی استنفورد آمریکا که سال‌های آخر عمر پربار بیضایی مأمن او بود، در خبر درگذشت بیضایی بزرگ او را «فخر ادب و هنر ایران» خطاب کرد، نویسنده و فیلم‌سازی که بارها گفته بود

یاد

به یاد شیرین یزدانبخش

شیرین یزدانبخش ۳۲ سال سابقه کارمندی در شرکت دخانیات را داشت اما یک تماشاگر حرفه‌ای تئاتر بود و از همان جا با دوستان تئاتری به فیلم «لطفا مزاحم نشوید» به کارگردانی محسن عبدالوهاب می‌رود و در آن فیلم آن قدر خوب بازی می‌کند که برنده سیمرغ بازیگری نقش مکمل زن جشنواره فجر سال ۸۸ می‌شود. او تا سال ۱۳۹۹ تقریبا سالی یک فیلم بازی می‌کند و حداقل چهار بار نامزد دریافت سیمرغ می‌شود.

برای خیلی از تماشاگران سینمای ایران، او با این‌افای نقش مادر در



زنان

زنان قدرتمند جهان، برنامه‌ریزان دهه آینده

۳۷ تریلیون دلار قدرت اقتصادی فرمان می‌رانند و بر زندگی بیش از یک میلیارد نفر اثر می‌گذارند. طبق این گزارش، زنان در حال هدایت نظام‌هایی هستند که دهه آینده را تعریف خواهند کرد. این زنان قدرتمند در فناوری، اقتصاد و سیاست نفوذ عمیقی دارند، اما همچنان در بالاترین سطوح قدرت با تردید روبه‌رو می‌شوند. زنان قدرتمند در سال ۲۰۲۵ در مرکز فرایند تغییر ایستاده‌اند: سرمایه‌ای را هدایت می‌کنند که مسیر هوش مصنوعی را تعیین می‌کند، زنجیره‌های تأمین را مدیریت می‌کنند که دولت‌ها برای تصاحب‌شان رقابت دارند و نهادهایی را که زیر فشارهای تاریخی‌اند، بآبائت نگه می‌دارند. در نظام‌های به‌هم‌پیوسته، تصمیم‌های آنان مشخص می‌کند کدام کشورها و شرکت‌ها برتری را به‌ردی خود را حفظ می‌کنند و کدام عقب می‌مانند. طبق تحلیل فوربس با این‌همه، با وجود اعمال نفوذ در مقیاسی بی‌سابقه، دسترسی به بالاترین طبقه قدرت همچنان برایشان به‌سختی ممکن است و با محدودیت روبه‌رو هستند. در حوزه فناوری، قدرت زنان در حساس‌ترین گلوگاه‌ها متمرکز است. هوش مصنوعی بزرگ‌ترین موج ساخت زیرساخت در تاریخ معاصر شرکت‌ها را رقم زده است: بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار هزینه سالانه از سوی شرکت‌های فناوری شاخص S&P ۵۰۰، قدرت به سوی کسانی جابه‌جا شده که این ظرفیت را کنترل می‌کنند. لیزا سو، مدیرعامل AMD (رتبه ۱۰)، گلوگاهی در صنعت نیمه‌رسانا را در اختیار دارد.

روث پورات (رتبه ۱۲)، رئیس و مدیر سرمایه‌گذاری آلفابت و مدیران مالی، کولت کرس در اونیدا (رتبه ۳۷)، سوزان لی در متا (رتبه ۴۱) و ایملی هود در مایکروسافت (رتبه ۱۶)، بر بیش از هشت تریلیون دلار ارزش بازار جمعیتی نظارت دارند. تصمیم‌های آنان آنگاه گسترش هوش مصنوعی را تعیین و سرعت، جهت و ثبات دهه آینده فناوری در جهان را مشخص



به دنبال بارش‌های اخیر در ارتفاعات تهران و فراهم‌شدن شرایط استاندارد برف، بیست بین‌المللی اسکی توجال به‌طور رسمی آغاز به کار کرد.

عکس: علی شریغزاده، ایرنا

نکته‌خوانی

خشونت دیجیتال؛

تعرض به آزادی زنان

احمد افرروز: در عصر داده و شبکه، خشونت علیه زنان دیگر محدود به خیابان و خانه نیست؛ اکنون در لایه‌های نامرئی فضای مجازی نیز بازتولید می‌شود. خشونت دیجیتال، چهره تازه‌ای از مردسالاری است؛ سلطه‌ای که در پوشش فناوری، مرز میان آزادی و تعرض را محو کرده است.

اگر قرن بیستم زمان مبارزه برای ورود زنان به عرصه عمومی بود، قرن بیست‌ویکم صحنه نبردی تازه است: نبرد برای حفظ امنیت و کرامت آنان در فضای دیجیتال. خشونت علیه زنان تغییر شکل داده است؛ از خشونت فیزیکی و روانی تا خشونت آنلاین، که در شبکه‌های اجتماعی، اتاق‌های گفت‌وگو و پیام‌رسان‌ها جریان دارد. در ظاهر، دنیای دیجیتال با شعار برابری و آزادی آغاز شد. اما در عمق آن، همان ساختارهای دیرینه مردسالارانه بازتولید شده‌اند، زنانی که در جوامع سنتی هدف تبعیض، تحقیر یا کنترل بدنی بوده‌اند، امروز در فضای مجازی هدف حملات کلامی، تهدید، باج‌گیری جنسی و انتشار تصاویر خصوصی بدون رضایت هستند. درواقع مردسالاری تنها ابزارش را عوض کرده، نه منطقش را.

در جوامعی که بدن زن هنوز حامل تابو و شرم است، انتشار بی‌اجازه تصاویر خصوصی، نوعی خشونت فرهنگی و روانی محسوب می‌شود. این عمل نه‌فقط حریم شخصی را می‌شکند، بلکه مفهوم آبرو را به ابزاری برای سرکوب تبدیل می‌کند. در این فضا، قربانی دو بار مجازات می‌شود: یک بار از سوی آزارگر، و بار دیگر از سوی جامعه‌ای که او را مسئول خشونت می‌داند.

از منظر جامعه‌شناسی، خشونت دیجیتال امتداد همان روابط نابرابر قدرت است که در جهان واقعی دیده می‌شود. زنانی که در خانه قربانی کنترل، تهدید یا ضرب‌وشتم هستند، اغلب در فضای مجازی نیز با نظارت سایبری و آزار روبه‌رو می‌شوند. خشونت فیزیکی و خشونت دیجیتال دو شکل از یک نظام سلطه‌اند؛ اولی بدن را هدف می‌گیرد، دومی روان را. تابوهای فرهنگی نیز در تداوم این چرخه نقش کلیدی دارند. بسیاری از زنان به دلیل ترس از عواقب تا بی‌اعتقادی به نظام عدالت، آزار آنلاین را گزارش نمی‌کنند. در بُعد روانی این موارد نیز از پیامدهای خشونت دیجیتال عمیق است: اضطراب، احساس شرم، انزوا و از دست‌رفتن اعتمادبه‌نفس. بسیاری از زنان پس از تجربه آزار، حساب‌های‌شان را حذف یا حضور خود را در شبکه‌ها محدود می‌کنند. این عقب‌نشینی، نوعی حذف نامدین از عرصه عمومی دیجیتال است؛ حذف صداهایی که باید شنیده شوند.

نقش ساختارهای فناوری نیز در این میان انگارناپذیر است. الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که محتوای هیجانی و خشونت‌زا را تقویت می‌کنند. در چنین نظامی، نفرت و تحقیر بازیدی بیشتری می‌آورد، بنابراین سود بیشتری تولید می‌کند. خشونت، در منطق سرمایه‌داری دیجیتال، به کالایی پربازده تبدیل شده است. بااین‌همه راه‌حل تنها در مجازات آزارگران خلاصه نمی‌شود. باید به ریشه‌ها پرداخت: سواد رسانه‌ای جنسیت‌محور، قوانین حمایتی نوین و پاسخ‌گویی پلتفرم‌ها سه ضلع اصلی مقابله با این پدیده هستند. آموزش باید از کودکی آغاز شود، تا نسل تازه بیاموزد که احترام، رضایت و مسئولیت در فضای مجازی نیز همان اندازه ضروری است که در زندگی واقعی.

قوانین نیز باید به‌روز شوند؛ جرم‌انگاری انتشار بدون اجازه محتوای خصوصی، آزار سایبری و تهدید دیجیتال، ضرورتی فوری است. شرکت‌های فناوری، به‌عنوان مانجی اصلی ارتباطات انسانی، باید مسئولیت اجتماعی خود را در برابر خشونت علیه زنان بپذیرند و سازوکارهای مؤثر برای گزارش و حذف محتوای خشونت‌آمیز ایجاد کنند.

در نهایت، خشونت دیجیتال علیه زنان صرفا مسئله‌ای فردی یا فناورانه نیست، بلکه بازتابی از ارزش‌های فرهنگی ماست. جهان دیجیتال آینه‌ای است که جامعه در آن خود را می‌بیند. اگر در این آینه، تصویر تبعیض همچنان پررنگ‌تر از آزادی و برابری است، مشکل نه در فناوری، بلکه در فرهنگ است.

فضای دیجیتال می‌تواند عرصه‌ای برای رهایی باشد، به شرط آنکه نخست، زنجیره‌ای نابیدای خشونت را از ذهن و زبان‌مان بکشاییم. آینده برابری جنسیتی، در امنیت، احترام و کرامت انسانی است.

طنزخوانی

مودم هست اما کم است



آیدین سیار سریع

جای شما خالی، دیروز یک خبری خواندیم که تا لحظه آخر فکر می‌کردیم سایت ایسا ایستگاه ما را گرفته است. یعنی هر لحظه منتظر بودیم آخر گزارش بنویسند شوخی کردیم یا شما در مقابل دوربین مخفی قرار دارید. ولی متأسفانه این‌طور نشد و فهمیدیم خبر واقعی بوده. محتوای گزارش این است که شرکت مخابرات که با هزار بدبختی و مصیبت خانه به خانه و محله به محله، زمین را حفاری و فیبر نوری را جایگزین سیم مسی کرده، وقتی کارش تمام شده و دست‌هایش را تکانده و با افتخار ایستاده جلوی ملت و گفته حالا دیگر بروید حالش را ببرید، با این پاسخ مواجه شده که دست مشکلی که پیش آمده مثل این است که شما میلیاردها تومان صرف خرید یک تیم فوتبال کنید بعد هیئت فوتبال استان بگویند آفرین، خیلی کار کشنگی کردید، ولی چه فایده وقتی توپ نداریم؟ یا شبیه به این است که شما خودتان را بکشید و مدارج سیاست را طسی کنید و در نهایت به‌عنوان سفیر جیوبیتی منصوب شوید بعد بگویند هزار ماشاءالله، ما به شما افتخار می‌کنیم، اما ما را جیوبیتی سفارتخانه نداریم. اما اگر گمان کردید این پایان ماجراست سخت در اشتباه هستید. در ادامه این گزارش حیرت‌آور به نقل از جعفریور، مدیرعامل شرکت مخابرات، نوشته شده: «در حال حاضر کشور به ۲۰۰ هزار مودم نیاز دارد اما ظرفیت تولید داخلی پایین است و واردات نیز با مشکلاتی روبه‌رو است». حالا فکر می‌کنید دلیل اینکه واردات با مشکل روبه‌رو است چیست؟ اینکه از سال ۹۶ واردات مودم به دلیل حمایت از تولید داخل ممنوع شده! احتمال می‌دهیم آن کل‌پسری که در کار تولید مودم بوده و به خاطر گل‌رویش واردات ممنوع شده الان رفته باشد توی یک کار دیگر و اصلااا دیگر مودم نمی‌سازد ولی دوستان بدان‌شان رفته ممنوعیت واردات مودم را بردارند. نکته جالب‌تر ماجرا اینجاست که بعضی شرکت‌ها تلاش کردند مودم اسمبل‌نشده را از چین وارد کنند اما چین در جواب گفت عه؟ زرنگی؟ پول کارگر و بسته‌بندی نمی‌خوای بدی؟ همین اسمبل‌نشده ر ۲۰ درصد گرون‌تر می‌فروشم بهمت!

البته من هنوز هم نمی‌خواهم خبر را باور کنم اما مثل اینکه قضیه جابجی است. طبق معمول از مردم عزیز کشور می‌خواهم در این روزهای سخت هوای همدیگر را داشته باشند و اگر دیدند همسایه‌شان مودم ندارد از گذاشتن رم‌های پیچیده برای دستگاه‌شان خودداری کنند تا همه بتوانند از نعمت مودم بهره‌مند شوند.

هنرخوانی

تلاش برای اکران «قاتل و وحشی» ادامه‌دارد

منوچهر شاهسواری، دبیر جشنواره فیلم فجر به ایسا گفت برای نمایش فیلم‌ها، اسما ۲۲ فیلم را در نظر گرفته است. او همچنین درباره تقابل بین سینمای زیرزمینی و سینمای روزمینی گفت: «تقابل دهشتناکی است و برای آینده این سرزمین، سینما، فرهنگ و هنر ایران امر خطرناکی است؛ چون کیفیت فدای شیوه می‌شود». او که به‌تازگی رئیس هیئت‌مدیره صندوق اعتباری هنر شده است، درباره عدم اکران فیلم «قاتل و وحشی» در جشنواره سال پیش ابراز تأسف کرد و گفت: «اقرار می‌کنم که نتوانستم فیلم «قاتل و وحشی» حمید نعمت‌الله را اکران کنم. گرچه باید منصف باشم و بگویم که «ما» نتوانستیم فیلم را اکران کنیم؛ چون من شاهد تلاش راند فریسن‌زاده و دکتر صالحی بودم. انصاف حکم می‌کند که بگویم ما در این مورد موفق نبودیم ولی به لحاظ مسئولیت حقوقی می‌گویم که متأسفم نتوانستم این کار را انجام دهم». او همچنین تاکید کرد پرونده فیلم قاتل و وحشی بسته نشده است و خبر داد: «تلاش‌های جدی در جریان است».